

کامل ترین خلاصه

کتاب منطق مظفر

خلاصه کتاب با متون رنگی

نموداری کردن مطالب جهت یادگیری آسان

دسته بندی و فهرست دقیق مطالب

ارائه مثال‌های متنوع جهت یادگیری آسان

جدیدترین نمونه سوالات حوزه علمیه

چکیده قسمت درآمد

علت نیاز به منطق: جهت درست اندیشیدن و صحیح فکر کردن.

تعریف منطق: «آله قانونیه تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ فی الفکر؛ ابزاری است قانونمند، که مراعات

کردن آن، ذهن را از خطا در اندیشه حفظ می‌کند.

عوامل اشتباه در تفکر: ۱- نداشتن ملکه منطق ۲- رعایت نکردن قواعد منطق ۳- خطا در تطبیق

اقسام علم: حسی، خیالی، وهمی، اکمل

از میان چهار قسم علم، علم اکمل به انسان اختصاص دارد.

تعریف علم: حضور شیء نزد عقل. وقتی مثلا با چشم چیزی را می‌بینیم صورتی از آن در ذهن ما نقش

می‌بندد به طوری که بعدا در غیاب آن شیء می‌تواند به شیء مذکور توجه کند.

اقسام علم از جهتی دیگر: تصور: صورت ذهنی بدون حکم و داوری نفس

تصدیق: صورت ذهنی مستلزم حکم و تصدیق نفس

متعلق تصدیق: فقط نسبت موجود در جمله خبریه هنگام حکم و اذعان نفس به مطابقت یا عدم

مطابقت با واقع است.

متعلق تصور چند چیز است: ۱- مفرد، ۲- مرکب ناقص ۳- نسبت در جمله خبریه در صورت شک یا

توهم در اصل نسبت ۴- نسبت در جمله انشائیه

اقسام تصدیق: یقین و ظن

حالات انسان نسبت به یک خبر: یقین (۱۰۰٪)

ظن (۸۰٪ + ۲۰٪ احتمال مخالف)

وهم (برعکس ظن)

شک (۵۰٪ - ۵۰٪)

وهم و شک، تصدیق نیستند.

تعریف جهل: نداشتن علم برای کسی که استعداد و توانایی علم را دارد.

اقسام جهل: تصویری

تصدیقی } بسیط (یک جهل) (نمی داند و می داند که نمی داند)

مرکب (دو جهل) (نمی داند و نمی داند که نمی داند)

جهل مرکب از اقسام علم نیست چون علم به معنای حضور صورت شیء نزد عقل است، در

حالی که جهل مرکب صورت چیز دیگری در ذهن انسان وجو دارد.

اقسام علم: ضروری یا بدیهی، علمی است که برای بدست آوردن آن، نیاز به تفکر نیست.

نظری یا کسبی علمی است که برای بدست آوردن آن، اندیشیدن و تفکر لازم است.

اسباب توجه عبارتند از: انتباه، سلامت ذهن، سلامت حواس، فقدان شبهه، تلاش غیر عقلی.

اگر انسان فاقد یک یا چند سبب از اسباب توجه باشد باعث نمی‌شود امر بدیهی، برای او نظری گردد؛ بلکه در نظری، نیاز به تفکر وجود دارد.

تفکر عبارت است از: اجرای عملیات عقلی در معلومات حاضر نزد ذهن، برای رسیدن به مطلوب.

تعریف دقیقتر فکر: حرکت عقل بین معلوم و مجهول

مراحل فکر: ۱- مواجهه با مجهول، ۲- شناخت نوع مجهول، ۳- حرکت عقل از مجهول به معلومات، ۴-

حرکت عقل بین معلومات، ۵- حرکت عقل از معلومات به مطلوب.

حدس، فکر نیست بلکه نیروی قوی برای ادراک است که باعث دست یافتن انسان به طور دفعی به پاسخ مشکل خود است.

نکته: گاهی ممکن است قضیه‌ای برای یک شخص، بدیهی و برای دیگری نظری باشد، به این صورت که

فردی که قوه حدس دارد قضیه مزبور برای او بدیهی است ولی برای شخص دیگری که این قوه را ندارد نیاز به تفکر دارد.

نیاز ما به علم منطقی برای رسیدن به علوم نظری است. ما به کمک ضروریات به علوم نظری دست پیدا می‌کنیم.

معرف و حجت

منطق درباره معرف و حجت بحث می‌کند؛ زیرا علم منطقی از نحوه گرد آوری معلومات برای رسیدن به مجهول بحث می‌کند؛

۱- اگر مجموعه معلوماتی که فراهم می‌شود مجموعه تصورات معلومی باشد که با آن به مجهول

تصوری علم پیدا می‌کنیم آن مجموعه معرف نام دارد

۲- اگر آن مجموعه، تصدیقاتی باشد که با آن به مجهول تصدیقی علم پیدا می‌کنیم حجت یا استدلال نامیده می‌شود.

خلاصه باب اول

علت نیاز منطقی به مباحث الفاظ } ۱- فهم صحیح درباره الفاظ و معانی
} ۲- تفهیم و تفاهم صحیح با دیگران

هر موجودی چهار وجود است: وجود خارجی، وجود ذهنی، وجود لفظی، وجود کتبی.

فایده استفاده از وجود لفظی: ۱- الفاظ ما را از آوردن اشیا بی نیاز می‌کند. ۲- گاهی آن چیز

محسوس نیست تا خودش را حاضر کنیم مانند: خوبی و بدی ۳- احضار همه اشیای محسوس ممکن نیست مانند کوه

فایده استفاده از وجود کتبی: الفاظ به افراد قابل خطاب اختصاص دارد. ولی دست خط برای افراد

غایب و در هر دوره از زمان کاربرد دارد.

نکته: وجود خارجی و وجود ذهنی، وجود حقیقی‌اند.

نکته: وجود لفظی و کتبی، دو وجود اعتباری و قراردادی هستند.

علت بحث از الفاظ در منطق:

بین لفظ و معنا ارتباط شدیدی وجود دارد این ارتباط به تفکر انسان تأثیر می‌گذارد به صورتی که هرگاه معنا در ذهن حاضر شود لفظ آن نیز حاضر می‌شود.

تعریف دلالت: چیزی (دال) حالتی داشته باشد که وقتی علم به وجود آن حاصل می‌شود ذهن، به شیء

دیگری (مدلول) منتقل شود.